

خودکشی . انتحاری . استشهادی

دیزاین: الحاج سلیم عابد پیمان سویدن



Ketabton.com

۱۳۹۴



www.masjed.se

تتبع، نگارش و نوشته از:
الحاج امین الدین « سعیدی - سعید افغانی »
و داکتر صلاح الدین « سعیدی - سعید افغانی »

خودکشی ، انتحاری ، استشهادی

بسم الله الرحمن الرحيم

خودکشی ، انتحاری ، استشهادی

تتبع، نگارش و نوشته از:

الحاج امین الدین « سعیدی - سعید افغانی »

وداکتر صلاح الدین «سعیدی - سعید افغانی »

هر لغت، کلمه و اصطلاح از خود تذکره (ID کارت هویت) دارد. هر لغت، کلمه و اصطلاح حد اقل دارای معنا و یا معانی تحت الفظی، معنا و یا معانی اصطلاحی میباشد. معانی لغوی و تحت الفظی در طول تاریخ پیدایش لغت و اصطلاح چندان تغییر نه کرده و به حال خود باقی میمانند، اما معانی اصطلاحی به مرور زمان تغییر نموده، ابعاد وسیعتر، خوردتر و حتی مفاهیم متفاوت را گرفته اند.

این مسئله خاصاً در مورد کلمات و اصطلاحات سیاسی حاد تر و جدی تر است. پیشکش کردن و ارایه تعاریف جامع و مانع ، یعنی تعاریفیکه در بر گیرنده تمامی مشخصات و صفات یک لغت و اصطلاح باشد و منع کننده صفات و مشخصات لغت و اصطلاح دیگر باشد، نیز ضروری پنداشته میشود.

مثلاً تلاش و زحمت کشیدن برای کسب رزق حلال هم تلاش و عرق ریزی است اما تلاش و عرق ریزی برای غصب مال شخص دیگر، ظلم و تجاوز برحق و مال دیگران و حمله مسلحانه بر بانک به منظور کسب مال و پول هم تلاش و عرق ریزی است. مطمئناً که تلاش و عرق ریزی برای کسب رزق حلال با تلاش و عرق ریزی برای غصب مال شخص دیگر، تجاوز و عمل خلاف نورمهای قبول شده جامعه، تفاوت دارد.

همچنان اعدام، گرفتن نفس کسی به اساس حکم قانون و قتل و کشتن کسی بدون مجوز قانون در نهایت امر همان گرفتن نفس انسان است که نتیجه نهایی همانا گرفتن حیات کسی است که از لحاظ حقوقی و معنا هریک گرفتن حیات کسی است که یکی به اساس مجوز قانونی و دیگری بدون مجوز قانونی بوده و در همین از هم متفاوت اند.

درین راستا مفاهیم حقوق اساسی و طبیعی انسان که به اساس قانون هم نزد بعضی از انسان گرفتن اش مجاز نیست و حقوق دیگر انسانها که میتوان به اساس حکم قانون آنرا ازوی سلب کرد، نیز بحث جالب و مطرح است اما به نسبت ضیقی وقت و طوالت کلام از آن میپرهیزیم.

مفهوم لغوی خود کُشی ، انتحاری که عده آنرا استشهادی میگویند واضح است. اما اصطلاحاً خود کُشی یا عمل انتحاری دو مرحله و مفهوم تقریباً مستقل میباشد. **به این معنا که خودکشی** منحصر به خود انسان گردیده در حالیکه عمل انتحاری کُشتن خود به قصد و مفهوم است که طی این عمل شخص خود را بخاطر از بین بردن و یا تخریب هدفی و یا از بین بردن کس و یا اشخاص دیگر کشته و نابود می نماید.

یعنی هر عمل انتحاری به قصد خود کُشی است اما هر عمل خودکشی عمل انتحاری به مفهوم استشهادی نیست. موضوع بحث امروزی ما هم به طور عمده همین **عمل انتحاری با جوانب** سیاسی و عقیدتی است که عده آنرا استشهادی مینامند، تا خود کُشی.

درین مبحث و پژوهش موتیف، انگیزه، اسباب و عوامل عمل انتحاری، حالات روانی، مُبرر،

خودکشی ، انتحاری ، استشهادی

برحق بودن و عدم آن و بلاخره جواب دادن به سوال که آیا وسیله انتخاب شده انتحاری را به هدف میرساند و یا خیر؟

نکات بس مهم و اصلی بحث ما همانا تمرکز به بعضی جوانب این قضیه بس حساس و مهم است به وجود اینکه این کار و تحقیق ضرورت به موشگافی، تکمیل و غنی سازی بخش از جوانب دیگر قضیه را نیز ایجاب میکند که درین راستا کار ادامه خواهد داشت.

عمل انتحاری بدون هدف سیاسی و صرف برای ازبین بردن خود نوع از عمل انتحاری است که درجهان آنرا به نام (اوتنازی) نیز میشناسند.

مطابق به قوانین برخی از کشور های امروزی جهان با تحت نظر گرفتن جدی قوانین پیچیده و دقیق کنترل شده آنرا مجاز میدانند و شماری دیگر از کشور های امروزی و قوانین آن این عمل را مجاز نمی دانند.

و اما از نظر اسلام و قوانین اسلامی این عمل حرام بوده وبمثابه قتل نفس بشمار رفته وجای شخص انتحاری مذکور در جهنم است.

اما عمل انتحاری با داشتن توجیه سیاسی و هدف سیاسی و دینی را نیز میتوان به نوعی خود کشی به اساس عقیده نام گذاشته و توجیه نمود که به نحوی عده آنرا به مفهوم عمل استشهادی یا جداً قریب به استشهادی پنداشته و عمل کننده عمل استشهادی را به آن معتقد ساخته اند تا عمل مذکور را اجرا کند و همان شخص را به عمل انتحاری وادار میشود.

یعنی به اساس عمل عقیدتی عمل انتحاری اجراء کردن به مقصد دیگر کشی و صدمه زدن به غیر (دشمن) افاده میشود و به آن صبغه عقیدی و به این نوع مبرر داده میشود. به این ترتیب و در این نوع عمل شخص به خود کشی شخصی دست به طرح و اجرای یک پروگرام یا نقشه تخریبی میزند که طی آن شخص قصد میکند، خود را وسیله آسیب زدن و یا از بین بردن دشمن قرار دهد.

اینکه دشمن کی است و چه کسی تعریف دقیق از آن داده میتواند ؟ و اینکه جانب متعهد و عقد معین در جامعه از کیست نیز بحث های ضروری اند که ایجاب بحث ها مستقل، عریض و طویل را میدارند.

اما تمرکز ما بیشتر مستقیم به عمل خود کشی به مفهوم انتحاری است.

در عمل خودکشی بدون هدف سیاسی و عقیدتی که با عمل انتحاری و استشهادی تفاوت داشته در عمل خود کشی به مفهوم اولی و ساده کلمه مثلاً شخص میخواهد خود را از مشکلات روزگار زندگی نجات دهد. ولی در عمل انتحاری، انتحار کننده و یا هم مغز متفکر دیگر دارای هدفی است که برای بدست آوردن آن هدف ویا جلب توجه و فشار و ایجاد حالت روانی معین در ماحول خویش و ضرر رساندن به هدف، دست به عمل و یا طرح یک پلان زده که با تطبیق آن توسط انتحار کننده، موجب مرگ خودش، دیگران ، ایجاد ترس و ضرر مالی نیز میشود. اینکه با این عمل خویش به هدف نایل میگردد و یا خیر ویا با عمل خویش مرتکب عمل بدتر میشود؟ بذات خود سوال است که نیز مهم میباشد.

در عملیه انتحاری فرد انتحاری مرگ خویش را نسبت به هدفیکه برای خود تعیین کرده است، بزرگتر شمرده و برای دست یابی به آن جان خویش را فدا مینماید.

به این ترتیب عملیه استشهادی یک شیوه و ابزار دفاعی است که در سالهای اخیر عده از مسلمانان آنرا علیه مخالف ویا متجاوز، با روش جدیدی برای مقاومت و رویارویی با دشمن که با وسایل و شیوه های جدید کشنده است و در گذشته چندان معمول و معروف نبوده،

خودکشی ، انتحاری ، استشهادی

انجام میدهند .
اکثر آ چنین واقع میگردد: شخصیکه عملیات استشهادی را انجام میدهد ، یقین یا ظن غالب دارد که خودش نیز در جریان عملیات به شهادت می رسد.
نباید فراموش کرد که : عملیات استشهادی برای دفع تجاوز متجاوزین در صورتیکه با وسایل دیگر دفاعی متعارف ممکن نباشد ، صورت می پذیرد و به اعمال انتحاری که علیه انسانهای بی گناه، یا به عبارت دیگر خودکشی، بدون جهت شرعی مسلمانان و انسانها و ضرر به مال و جان صورت میگیرد، متفاوت میباشد . در صورتیکه که چنین باشد طوریکه قبلاً یادآور شدیم، این عمل به هرنام باشد، حرام و شامل دایره حرمت قتل نفس میگردد .
در این هیچ جای شک نیست که: دفاع در مقابل دشمن یک امر فطری و عقلی هم است و خداوند به هر موجود زنده ای ابزار دفاعی خاصی داده است.
ولی این ابزار دفاعی در انسانها به دلیل داشتن قوه تعقل متنوع و گوناگون است و هر قوم و ملتی با توجه به تواناییهایی که دارد از شیوه ها و ابزار دفاعی مناسب حال درچوکان شرع خود استفاده می کند.
یکی از روشهای دفاعی که اخیراً در کشور های اسلامی بکار گرفته میشود ، بنام ، عملیات استشهادی و انتحاری مسمی گردیده است .
اطلاق آیات و روایات دینی و فتوای اسلامی ، جهاد دفاعی و ترجیح دفاع بر حفظ نفس دلیل جواز این نوع عملیات است.

خواننده محترم!

تاجیکه بشریت میداند، تاریخچه عمل انتحاری در مشرق زمین به یک هزار سال قبل از امروز میرسد . ولی با تأسف باید گفت که انگیزه اعتقادی انتحار با گذشت بیشتر از ده قرن تغییر نکرده و انتحار کنندگان قرن بیست و بیست و یکم در اکثر موارد از لحاظ رشد فکری هنوز در سطح فکری اولی قرار دارد.
ادوارد برون ، شرق شناس مشهور انگلیسی مؤلف کتاب مشهور تاریخ ادبیات فارسی مینویسد که «حرکت اسماعیلیان (حشاشین) به رهبری حسن صباح هزار سال قبل از امروز با دادن وعده بهشت به افراد خویش آنها را وادار به انجام عمل انتحاری مینمودند».
در جمله بزرگترین نمونه های عمل انتحاری در عصر امروزی را میتوان بدون شک حملات ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ م. در ایالات متحده آمریکا شد که در نتیجه این جنایات هزار های انسان بی گناه به شهادت رسیده، زخمی و یا متضرر شدند.
چنانچه همه به خاطر داریم طی آن ۱۹ حمله کننده با به کنترل درآوردن ۴ بال طیاره مسافربری بر علاوه دیگر دو برج مرکز تجارتی جهانی را در نیویارک به لرزه درآورد و منهدم نمودند. قرار احصائیه های منتشره ، به موجب آن ۲۹۷۳ انسان بی گناه را به قتل رسید. ضرورت به تذکر است که هیچ یک از اجراکننده ها و یا مغزمتفکر این عملیات از افغانستان نبود.
درین سلسله در سالهای بعدی همچنان می توان از حملات انتحاری متروی (ریل زیر زمینی شهری) شهر لندن انگلستان و حملات انتحاری و یا هم استشهادی فلسطینی ها علیه اهداف اسرائیلی و حملات انتحاری در عراق و کشور عزیز ما افغانستان نام برد.
در یک کتگوری خاص حملات انتحاری را میتوان به دو دسته تقسیم کرد:
۱- حمله انتحاری با هدف مشخص.

خودکشی ، انتحاری ، استشهادی

۲- حمله انتحاری بدون هدف مشخص.

در عملیه انتحاری با هدف مشخص :

مقصد و هدف شخص انتحاری و یا مغز متفکر که عمل انتحاری را سازمان داده، ضرر رساندن به فرد یا افراد معین و مشخص میباشد و یا ملکیت و جنس مشخص میباشد. درین عملیه ممکن است افراد دیگری حاضر در محل حادثه نیز ضرر دیده و یا از بین رفته، به قتل رسیده و شهید شوند.

اما در عملیه انتحاری بدون هدف مشخص: معمولاً برای نا آامن کردن فضای اجتماعی و سیاسی مورد نظر و برانگیختن ترس و وحشت عمومی طراحی میشود. عملاً غیر قابل تردید است که در برهه انداختن این نوع از عملیات انتحاری ساختمان ها و ساینط و انسانها از بین رفته و معمولاً به قتل انسانها بی گناه می انجامد.

طراح و یا طراحان و مغز متفکر عمل انتحاری یا خود شخص و در اکثر موارد افراد غیر از شخص انتحاری میباشد. عملیات انتحاری عملاً در کشور ما افغانستان و منطقه اکثر با داشتن اهداف مشخص در اکثر موارد به استشاره، هدایت، سازمان دهی اجانب خاصاً مراجع استخباراتی همسایگان تحقق مییابد. به راه انداختن همچو عملیات ایجاد نوعی از ترس و رعب در جامعه بوده و دلیل ترس همگانی شده که در نتیجه آن خسارات زیاد جانی و مالی به مردم بی گناه ما عاید میگردد.

کنترول و جلوگیری از عمل انتحاری عملاً مشکل و در موارد نا ممکن میباشد. علت آن هم بسیار ساده و قابل فهم است. فردی که خود را آماده مرگ ، انتحار یا درموردی به زعم خویش و تشویق عمل استشهادی نموده دیگر ترسی از چیزی به خود راه نمی دهد و عملاً غیر قابل مهار و یا به بسیار مشکل قابل مهار و پیگیری است.

اسباب و عوامل خودکشی و یا عمل (انتحاری)

اول :

در صورتیکه انگیزه عمل انتحاری عقیدتی باشد (استشهادی). درین صورت اگر مستقیم به مشکل کشور و منطقه خویش متمرکز شویم. اولین و اساسی ترین عامل آن عدم فهم درست و آگاهی لازم انتحار کننده و یا مغز متفکر آن به اساسات راستین و اصول واقعی دین مقدس اسلام میباشد.

بلی جاهلیت و عدم آگاهی لازم و دقیق از مفاهیم و جوهر واقعی دین آسمانی و درین سلسله دین مقدس اسلام است.

دینیکه برای سعادت دنیا و آخرت انسان نازل گردیده،

دینیکه هدایت دارد و « وَلَا تَنْسَ نَصِيبَكَ مِنَ الدُّنْيَا (القصص الآية ۷۷) ،

دینیکه سفارش دارد زندگی کن و برای زندگی آمادگی بگیر مانند اینکه برای ابد زنده هستی. و برای مرگ آمادگی بگیر مانند اینکه فردا میمیری.

دینیکه نص صراحت دارد (و لاتلقوا بایديکم الى التهلكه) ، خود را به قصد به

خودکشی ، انتحاری ، استشهادی

تهلکه نه اندازید. دینیکه دین دنیا و آخرت هست، دینی که میفرماید: « من قتل نفسا بغير نفس اوفساد فی الارض فکأنما قتل الناس جمیعاً » بلی در دینیکه رهبانیت، افراط و تفریط منع شده، چطور میتواند انسان ها را به از بین بردن خود، قتل و کشتار انسانهای بی گناه دیگر تشویق کند؟

دینیکه هدایت صریح دارد: (من قتل مؤمنان متعمداً فجراه جهنم خالداً فیها) کسیکه مؤمن را به قصد به قتل میرساند جزا اش جهنم و به طور ابد در آن خواهد ماند. در ابد ماندن در جهنم جای غیر مسلمانان یعنی کفار است، ولی قرآن عظیم الشان قاتل مؤمن را به بقاء در جهنم به طور ابد وعده و تنبیه میکند. به همین اساس گفته میتوانیم که شخص انتحار کننده نسبت عدم درک درست از اسلام، نسبت عدم درک احکام الهی و استنباط درست از قرآن و سنت پیامبر اسلام محمد صلی الله علیه وسلم، توانمندی آنرا ندارد تا بین حلال و حرام فرقی را بعمل ارد و حتی به این هم نمیداند که آیا کشتن افراد بیگناه در اسلام جواز دارد و یا خیر؟

در عمل انتحاری انسانهای بی گناه شهید و یا زخمی میشوند و صدها نقص به انسان ثالث که هیچ دخلی به کار ندارند، متضرر و عملاً به گناه جرم؟! مجازات میگردد که عملاً کاری به آن ندارد و یا هم اصلاً نه عمل و نه هم ایجادگر بوده و حتی شاید مانند انتحار کننده مخالف وضع جاری باشد.

انتحاری فرصت توبه کردن را از هدف میگیرد. توبه کردن از گناه حق و امکان هر مسلمان است. انتحاری چنین امکان دادن شده از جانب پروردگار را از بندهء میگیرد.

بلی امکان و فرصت توبه حتی برای انسان متخلف یکی دیگری از اصول و اساسات است که در شهادت انتحاری جداً مورد سوال قرار گرفته و از بنده و حتی انسان بی گناه گرفته میشود. حین تفکر و تعمق به این اعمال و بخصوص حرکات افراطی بخش از مسلمانان و سازمان دهندگان اعمال تروریستی و انتحاری انسان به فکر شعر شاعری میافتم که میگوید:

ترسم نه رسی به کعبه ای اعرابی
این ره که تو میروی به ترکستان است

دوم :

دومین عامل عدم دسترسی این افراد به معلومات و اوضاع جهانی و در نهایت تحت تأثیر قرار گرفتن تبلیغات نادرست علمای (علماء نما های) متعصب و محدود الذهن دینی اند.

سوم:

از انجائیکه که منابع عمده دین اسلام به زبان عربی اند و در کل معرفت مردم افغانستان به توضیح و تشریح علماء محدود دین قرار دارد و بخش ازین علماء و یا به دقت بگویم علماء نما های دین هم بنا بر عوامل مختلف جایز و ناجایز بجای اینکه مصروف تدریس واقعیت های حقیقی و هویت واقعی اسلام گردند شنوندگان و شاگردان مدارس و طلبه علم را

خودکشی ، انتحاری ، استشهادی

به مسایلی مصروف می سازند که با جوهر دین مقدس اسلام و حکمت احکام اسلامی در تضاد است.

چارم:

عام اعتقادی عامل چارم است که انتحاری بزعم برای کسب کسب مقام عالی شهادت و رفتن به جنت میباشد. ای کاش انسان به این درجه نایل میشد اما متأسفانه تمام شواهد قراین و احکام دین اسلام و نتیجه عمل انتحاری را چنانچه در بالاتشریح کردم سبب اذیت، کشت و خون انسانها بی گناه شده و قهر و غضب خداوند متعال متوجه آنان خواهد شد که این عمل را اجرا و یا سازمان دهی مینمایند.

پنجم:

پنجمین عامل را میتوان عامل اقتصادی مسمی نمود . که عبارت از فقر و بیچارگی ، بیکاری، کرسنگی ، قرضداری میباشد .

ششم:

عامل یأس و نا امیدی ششمین عامل را علماء و محققین، عامل یأس، نا امیدی، ضعف مقابله نظامی مسمی نموده اند. زمانیکه انسان نیروی مقابله رو در رو با دشمن خود را نداشته باشد، عملاً دست به انتحار میزند و یا افراد دیگر را به این عمل آماده میسازند.

هفتم :

در موارد معین ظلم ها، دشمنی های شخصی و همین عملیات نظامی ظالمانه کور، کر و بی هدف که به راه انداخته میشود و به اثر این بمباردمان ها قریه ها و منازل مسکونی مردم تخریب میگردد و انسان های بیگناه اطفال و زنان و مردم بیدفاع بقتل میرسند، موجب بی عفتی و بی عزتی فامیل ها ، تجاوز بر ننگ و ناموس شده که موجبات و عوامل عمل انتحاری و انتقامی را ایجاد و تشدید میبخشند.

به این صورت بدون در نظر داشت توجیه آن عملاً چنین عمل در مجموع عمل عکس العملی در مقابل یک عمل و یا واکنشی در برابر واکنشی است که باید دقیق مورد مطالعه و بررسی قرار داده شود.

هشتم :

همچنان یکی دیگری از عوامل انتحاری بخصوص در کشور عزیز ما افغانستان را میتوان فساد اداری در ادارات دولت و تلف حقوق حقه و شرعی افراد جامعه مسمی نمود . این عامل به نحوی با عامل هفتم نیز مرتبط میباشد.

ولی در تحلیل نهایی گفته میتوانیم که :

عملیه انتحاری در کشور عزیز ما افغانستان اساساً و عمدتاً ریشه خارجی داشته و این تا کتیک جنگی است که بخش از منابع مغرض خارجی میخواهند آنرا بر کشور ما غرض تحقق اهداف سیاسی و نظامی، فرهنگی و کلتوری خویش براه میاندازند.

تمام محاسبات و تحلیل های عینی و در اکثر موارد شواهد مشخص نشان میدهد که کشور های همسایه و ذینفع در افغانستان بخاطر ایجاد درد سر برای امریکایی ها و غربی ها با به راه انداختن و تحمیل جنگ ها نیابتی، میخواهند مانند سه دهه اخیر افغانها را مورد استفاده خویش قرار داد و اهداف خویش را توسط آنها به اشکار روبرو و یا غیر مستقیم برآورده سازند.

خودکشی ، انتحاری ، استشهادی

مرکز عمده این مراکز انتحاری در قدم اول در مدارس دینی در پاکستان و کشور ایران فعال بوده ، افراد و اطفال معصوم و بی گناه و بی خبر از گناه و اساسی اشیاء و احمکمان ینی و روح اصیل این احکام به منظور سازماندهی و اجرای اعمال تروریستی به طور منظم تربیه به کشور ما گسیل داشته میشوند.

مبحث اینکه کدام مراجع و محافل، مراجع و یا محافل رسمی و یا سازمان ها و گرو های شخصی و یا چه روابط در ایجاد و تمویل مراجع و محافل رسمی و شخصی درین عرصه وجود دارند بحث است ضروری و مستقل که نتیجه گیری آن در موارد کاملاً قابل درک و فهم و در موارد سخت پیچیده و در موارد بالاتر از درک و تصور ما ست. درین میان دوست و دشمن دایمی وجود ندارد و هریک به نحوه و نوبهء خویش در فرصت های مختلف با در نظر داشت منافع و مصالح خویش در تراژیدی ملت ما و مردم بی گناه منطقه و جهان رول بازی کرده اند و میکنند.

نظریات علمای اسلام

در مورد خودکشی، عمل انتحاری و استشهادی

چنانچه در بالا نیز به شکل مختصر متذکر شدم اگر به نظریات علماء ، مفسران و فقهای دینی دین مقدس اسلام در مورد اعمال انتحاری مراجعه نمائیم ، بوضاحت تام در خواهیم یافت که ایشان تحقیقات لازم در زمینه ارائه نداشته اند . عامل عدم تحقیق در این عرصه ناشی از عدم موجودیت سلاح پیشرفته و انفجاری در آن زمان بوده است .

ولی زمانی که انسانها دست به اختراع سلاح های پیشرفته از جمله سلاح های انفجاری یافتند همزمان با پیدایش آن ، عملیات انتحاری به شکل فعلی آغاز و توجیهات برای آن دریافت کردند.

فقها و مفسرین در عمل انتحاری «استشهادی» بدو دسته منقسم گردیده آند: دسته ای از فقها و مفسرین اعمال انتحاری « استشهادی » را تایید و آنرا مطابق شرع و دفاع مشروع و به اصطلاح اعمال استشهادی یا شهادت طلبانه قلمداد نموده آند. امام محمد بن الحسن الشیبانی در کتاب خویش (السیر ۱ / ۱۶۳) مینویسد : « انسانی که به تنهایی بر دشمن حمله کند و این حمله بمنظور عزت دینش صورت بپذیرد و جان خود را در آن به شهادت برساند . بر اثر این شهادت او زندگی ابدی را نصیب میگردد یعنی هلاک نه بلکه به بهشت میرود .

او می افزاید: «اگر شخصی به تنهایی بر دشمن حمله کند و میداند که کشته میشود ولی بر اثر این کشتن فایده ای برای مسلمانان میرسد ، به بهشت میرود.

ولی اگر شخص انتحاری بداند که به این عمل اش فایده برای مسلمانان نمی رسد، در این صورت برای این شخص انتحار کننده لازم نیست که دست به چنین اقدامی بزند . چراکه با این عمل ، برای اسلام کدام اعزاز نصیب نميگردد بلکه تنها جاناش را از بین می برد.» علامه ابن حجر میگوید:

« اگر عمل انتحاری برای تضعیف روحیه دشمن صورت گیرد، این عمل انتحار کننده از جانب جمهور علماء مورد تأیید است و برای شخص انتحار کننده اجازه انتحار میدهد . ولی اگر این کار صرف برای ایجاد ترس و رعب در بین مردمان جامعه باشد ، (انتحاری هدف) ، این عمل انتحار کننده ، عمل خوب نبوده و عمل ممنوع میباشد.

خودکشی ، انتحاری ، استشهادی

به خاطر اینکه ضرر این عمل در نهایت امر به ضرر مسلمانان می انجامد. « (سبل السلام ۴۷۳ / ۲)

عالم شهیر جهان اسلام وهبة بن مصطفى الزحيلي متولد ۱۹۳۲ م. در شهر دمشق - سوریه طی فتوی مینویسد :

«زمانیکه لازم و ضروری باشد در برخورد با دشمن حربی، عملیات شهادت طلبانه انجام شود، و ظن غالب حاصل شود که دشمن، آن شخص را می کشد و یا شکنجه می کند، و عملیات نیز با اذن حاکم شرع انجام شود، و این نوع عملیات ترس و وحشت در دشمن ایجاد کرده و باعث قطع تجاوز دشمن شود، چنین عملیاتی به خواست خداوند جایز است.» اما درین فتوی هم دیده میشود که مسأله کشته شدن انسانهای بی گناه و متضرر شدن شان افراد که معصوم و بی مورد مذاقه قرار نه گرفته و یا هم تخنیک آنرا چین التفاط را بخاطر عدم وجود تأثیرات جانبی و کشته شدن انسانهای بی گناه به اساس وسایل تخنیکی ابتدایی آزمان مطرح نمی کرد. مطمئناً اگر علمای آن عصر این تأثیرات جانبی و کشته شدن انسانهای بی گناه و ضرر رسیدن به اشخاص بی گناه را میدیدند و درک میکردند که امروز از اثر این انتحاری های عملاً بوجود می آید و فرصت توبه را حتی از مسلمان متخلف میکیرد، به هیچ صورت به مشروعیت عمل انتحاری و لو به نیت نیک نیز اجازه نمی دادند.

محمد سعید رمضان البوطی : محمد سعید رمضان البوطی (۱۴۳۴ - ۱۳۴۷ هـ / ۱۹۲۹ - ۲۰۱۳ م) یکی دیگری از علمای مشهور و متخصص در علوم اسلامی و مفتی مشهور جهان اسلام ، طی فتوای مینویسد :

این نوع عملیات صددرصد مشروع است در صورتی که قصد هدف این عملیات ضربه زدن و کشتن دشمنان باشد، نه ریختن خون خودش، و اگر قصد کشتن خود را داشته باشد، این خودکشی می شود و شهید محسوب نمی شود، پس واجب است نیت کشتن دشمنان را بکند نه نیت مردن خود. (مراجعة شؤده فتاوی شیخ محمد سعید رمضان البوطی دمشقی). در همین صورت هم همان مانع کشته شدن انسانهای بی گناه به علت تخنیکی مدرن امروزی مطرح است.

عبدالله بن منیع از علمای عربستان می گوید: شکی وجود ندارد که عملیات شهادت طلبانه در راه خدا بر ضد دشمنان خدا و رسول او و دشمنان مسلمین، موجب تقرب و نزدیکی مجاهد مسلمان به خداوند می شود. و شکی وجود ندارد که این نوع عملیات برترین باب جهاد در راه خداوند است، و هر کسی که در اینگونه عملیات به شهادت برسد، ان شاء الله شهید می باشد، البته سزاوار است مجاهد مسلمان نیت خود را نیکو کند و جهادش فقط برای خدا باشد.

نفس مانع فوق در عمل انتحاری که عامل کشتن انسانهای بی گناه و عدم دادن فرصت توبه شود، ادامه دارد.

محمد سید طنطاوی شیخ الازهر درباره عملیات استشهادی می گوید:

اینکه مسلمانی خودش را در میان دشمنان اسلام منفجر می کند این دفاع و نوعی شهادت است... جهاد در راه خدا واجب کفایی است ولی اگر به سرزمین مسلمانان حمله شود این جهاد واجب عینی می شود. و اینجاست که عملیات استشهادی از برترین واجبات و بهترین شکل فداکاری در اسلام است.

خودکشی ، انتحاری ، استشهادی

باز هم مسأله کشتن شدن انسانهای بی گناه و گرفتن فرصت توبه به جای خود باقی است که مورد بررسی قرار نه گرفته.

شیخ احمد کفتارو، مفتی اعظم سوریه در این رابطه میفرماید :

شیخ کفتارو عملیات شهادت طلبانه علیه اسرائیلی ها را جایز و مشروع دانسته و مجریان این عملیات را شهید می داند که از جانب خداوند وعده بهشت داده شده اند. وی تأکید می کند که این عملیات باید منضبط به مبانی جهاد در اسلام باشد. از آن جمله اینکه مقصود و مراد، دفاع از امت اسلامی و متوجه ظالمان، محاربان و حامیان آنان در جامعه ... در چارچوب برنامه ای کلی و ضامن مصلحت امت اسلامی باشد.

در تمام حالات فوق نباید فراموش کرد که در عمل استشهادی با تخنیک وامکانات تخنیکی امروز که سبب کشته شدن، زخمی شدن و متضرر شدن انسانهای بی گناه گردیده و موجبات خسارات غیر قابل قبول را عامل شده و سبب قتل و گرفتن جان، مال و ملکیت انسانهای بی گناه میشود با عمل استشهادی که حتی همین علماء سفارش میکنند، در نظر گرفته نه شده و منظور نمی باشد. به یقین اگر این عده از علماء هم در صورت این بی عدالتی ها و قتل و کشتن انسانهای بی گناه، و متضرر شدن مال و ملکیت شان از اجرای عمل انتحاری و یا استشهادی حتی به هدف خیر نیز، آنرا مجاز ندانسته و منع میکردند.

فتوای علماء فلسطین واردن:

علماء فلسطین طی فتوای در مورد عملیات استشهادی مینویسند :

این عملیات استشهادی یک نوع جهاد در راه خدا به شمار می رود... و مجریان این عملیات نمونه های بارز و زنده در جهاد و مقاومت و شهادت به جامعه نشان داده اند، علمای قدیم و معاصر مشروعیت این نوع عملیات را تأیید کرده و راجع به آن فتواهایی را صادر نموده اند. مشروعیت اینگونه عملیات از کتاب و سنت و اجماع به وضوح با در نظر داشت شرایط معین استنباط می شود... علماء امت بر این مطلب که اگر یک نفر مسلمان به هزار نفر دشمن حمله

ور شود، اگر نیت وی از این کار پیروزی بر آنان و وارد آوردن خسارات و ترساندن آنها باشد، اتفاق دارند که این کار جایز است، و چون نیت ضربه زدن به دشمن را داشته کار او

صحیح است و از لحاظ شرعی ممانعتی ندارد و مصداق این آیه قرآن است: «ثَرِّهْبُونَ بِهِ

عَدُوَّ اللَّهِ وَ عَدُوَّكُمْ...» .

تمام ادیان آسمانی و قوانین بین المللی دفاع ملتها را از وطن خود و جنگیدن با دشمن متجاوز را با هر وسیله جایز دانسته اند.»

شورای فقهای اردن در سال ۱۳۷۵ ه . ش فتوای مشهوری را طی نشستی صادر نمودند ، و طی بیانی ، عملیات انتحاری « استشهادی » در اسرائیل مصداق شهادت در راه خدا نامیدند.

اکثریت مطلق این علماء فتوای خویش را به آیات قرآنی ، احادیث نبوی ، و روایات اسلامی مستند ساخته، و مشهورترین حدیث که مورد استناد آنان قرار گرفته است، حدیثی است که: از حاکم روایت گردیده است.

درین حدیث آمده است: مردی از پیامبر صلی الله علیه وسلم پرسید یا رسول الله ، آیا اگر بر مشرکان حمله کنم و تا لحظه مرگ با آنها بجنگم ، داخل جنت خواهم شد ؟ پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود بلی . آن مرد هم پس از شنیدن سخنان پیامبر صلی الله علیه وسلم به صفوف مشرکان حمله ور شد و تا مرگ با آنها می جنگد.

خودکشی ، انتحاری ، استشهادی

ولی باید گفت این امر پیامبر اسلام مربوط به جهاد و مقابله با نیروهای های نظامی دشمن آن عصر است که در نتیجه عمل انتحاری و استشهادی صرف و صرف ویا به صورت اساسی سبب قتل، کشتن و یا تخریب دشمن میگردد. آنهم با وسایل که در عمل صرف دشمن متضرر ویا کشته میشود.

اما مقایسه این منبع بخاطر عدم مقایسه به عمل انتحاری امروزی دارد که با امکانات فنی و تکنیکی مدرن سبب کشتن و ضرر به انسان های بی گناه و یا ضرر به مال و جان انسان بی گناه وحتی مسلمانان که مخالف دشمن مشترک ممکن خواهد بود، میگردد لذا مورد مقایسه و قیاس ندارد و داشته نمی تواند. در شرایط و امکانات مدرن تکنیکی وکارا بودن سلاح های کشنده فرصت دادن توبه نیز حتی از انسان متخلف گرفته شده و موضوع را از قیاس به حدیث فوق جدا و اساساً جدا ساخته و مبرر شرعی جواز مسأله را نفیه نموده و به جای دیگر میکشد که سبب حرمت عمل انتحاری میشود.

پیامبر اسلام در امر مقدس جهاد بر همه اهداف جنگی دوران جاهلیت که منجر به چور وچپاول ، تخریب و ویرانی و تجاوز به عفت زنان و قساوت با ناتوانان و نوزادان و اطفال و نابودی کشتزار ها و فساد در روی زمین میشود خاتمه داد.

جنگ در دین مقدس اسلام به کلمه مقدس جهاد تغییر نام یافت . و امر جهاد که مفاهیم وسیع دارد او جهاد با نفس خویش آغاز و به جهاد مسلحانه در صورت داشتن شرایط اوج میگردد، برای خدمت اهداف شرافتمندانه و مقاصد والا و غایاتی پسندیده میباشد. این برخورد نیک و انسانی و داخل قواعد بوده که دین اسلام به قلب میلیونها انسان کره زمین راه یافته و از انسان وحشی قصی القلب و متخلف انسان با بلند ترین درجه و نمونه اخلاقی ساخته. مسلم این است که این عقیده بدون اینگونه فضایل نیک به زور شمشیر و قساوت به قلب انسانهای داخل شده نمی توانست و نمی تواند.

جهاد اسلام عبارت از مجاهدتی است که انسان را از چنگال نظام جور و ستم در چوکات قواعد و اصول معین رهایی بخشیده و برای برقراری نظام عدالت و انصاف و در نهایت در برقراری نظامیکه نیرومند توان پایمال کردن حق ضعیف را از دست داده و در صورت تخلف مورد پیگردلی و قضایی قرار گرفته و به تأمین عدالت پرداخته میشود.

در حدیثی سلیمان بن بریده از پدرش روایت نموده است: چون رسول صلی الله علیه وسلم کسی را به عنوانی قوماندان و سر لشکر سپاه یا سریه (گروه گروپ کوچک جهادی) می فرستاد او را به رعایت تقوی در مورد نزدیکانش و مقربانش توصیه میفرمود و از او میخواست تا با مسلمانان همراهش به شیوه ای پسندیده رفتار نماید . انگاه می فرمود : « جهاد و پیکار کنید به نام خدا و در راه خدا با کسانی که به خداوند کفر ورزیده اند ، پیکار کنید اما خیانت و ناجوانمردی نکنید ، مُثله مکنید و کودکی را مکشید ... » (مُثله به معنای بی سیرت کردن و یا مثلاً گوش و بینی بریدن است.)

پیامبر اسلام به آسانگیری نیز فرمان داده و می فرماید : « آسان گیرید و سختگیری مکنید، مردم را به خود گرایش دهید و از خود مرانید » (صحیح مسلم ج ۲ ص ۸۲ و ۸۳ المعجم الصغیر ، طبرانی ج ۱ ص ۱۲۳ ، ۱۸۷)

پیامبر صلی الله علیه وسلم اگر شبانگاه به قومی می رسید ، بر آنان حمله و یورش نمی بُرد تا آنکه سپیده می دمید.

خودکشی ، انتحاری ، استشهادی

از سوزاندن مردم در آتش اکیداً منع کرده بود. از کشتن کسی که در بند است و از زدن و کشتن زنان و از غارت و چپاول نهی کرده و فرمود : « مال غارتی از گوشت مردار حلال تر نیست » همچنین از تباه نمودن کشت و نسل و بُریدن درختان، منع فرموده است . در هنگام فتح مکه هدایات اکید صادر فرمود : « به هیچ وجه مجروح و اسیر را مکشید و فراری را تعقیب نکنید » .

همچنان در حدیثی که از حضرت علی کرم الله وجهه روایت است که رسول صلی الله علیه وسلم فرموده است « از به کار گیری سم (زهر) در شهر های مشرکین نهی کرده است. پیامبر خدا از کشتن زنان و اطفال در جنگ منع فرموده اند مگر اینکه در کارزار جنگ مشارکت داشته باشند. »

در احادیث متبرکه تذکر رفته است که : پیامبر اسلام حضرت محمد صلی الله علیه وسلم زمانی که گروه های حربی و نظامی خویش را به سوی جبهات اعزام میداشت، اکیداً به ایشان هدایت میفرمود :

(... ولا تقتلوا شیخاً فانیاً ولا طفلاً صغیراً ولا امرأة ولا تغلوا واصلحوا واحسنوا ان الله یحب المحسنین) (الشامي ۱۳۱۴ : ۶ / ۷) .

(موسفیدان ، پیرمردان ، اطفال و زنان را بقتل نرسانید ، خیانت نکنید ، صلح را در پیش گیرید ، نیکی کنید ، که پروردگار نیکو کاران را دوست دارد) .
پیامبر صلی الله علیه وسلم به سپاهیان و مجاهدین خویش اکیداً دستور میداد :
« ای بندگان خدا ! برای خدا و در راه جهاد کنید ، و همیشه از درگاه پروردگار کمک و استعانت جوئید .

ای مردم !

کفار را پس از کشتن « مُثله » ننمایید ، یعنی چشم و گوش و بینی و دیگر اعضاء آنان را نبرید ، اطفال و زنان و پیرمردان و راهبان آنان را به قتل نرسانید و درختان آنان را جزء در هنگام ضرورت نبرید ، و هر گاه یک نفر از شما مشرکی را امان دهد ، امان او را محترم شمرده و امانش دهید تا آنکه آن مشرک کلام خدا را بشنود . هرگاه اسلام اختیار نمود برای شما خواهد بود ، و اگر اسلام اختیار نکرد به جای خود برگردد و از خداوند توفیق جهاد را بخواهید .
ای مسلمانان !

هیچ گاه نخلستان ها را نسوزانید ، و کسی را به آب غرق ننمایید ، درختان میوه دار را از ریشه و بن نکنید و زراعت و محصول آنها را آتش نزنید .»
همچنان تعدادی کثیری از علماء و فقهای اسلام براه انداختن اعمال انتحاری که موجب قتل نفس انسانان بیگناه بخصوص اطفال و زنان میگردد حرام اعلان داشته . و میگویند که انتحار کننده ، به هیچ صورت جای در بهشت داخل نمیشود .

شیخ عبد العزیز آل شیخ مفتی کشور عربستان سعودی و شیخ الازهر شیخ محمد سید طنطاوی ، طوریکه فوقاً بدان اشاره نمودیم ، طی فتوی های شرعی اعلام داشت اند که :
که این عملیات در صورتی استشهادی است و مورد قبول شرع است : که علیه متجاوزین و مراکز نظامی صورت گیرد ، نه علیه کودکان و زنان و انسانهای بیگناه .
شیخ محمد سید طنطاوی میگوید :

خودکشی ، انتحاری ، استشهادی

« اگر انسانهای بیگناه بقتل برسد ، در آن هیچگونه وجه شرعی برای این نوع عملیات نمی بینم و آن را جهاد در راه خدا نمی دانم . »

پرهیز از قتل نفس در اسلام خداوند متعال در (آیه ۶۸ سوره فرقان) میفرماید : « **ولا يقتلون النفس التي حرم الله الا بالحق** » « آنان انسانی را که خداوند ریختن خورش را حرام شمرده - جز به حق - نمی کشد »

در دین مقدس اسلام گناه انسان کشی بی نهایت سخت بوده و مجازات شدیدی برای آن قرار داده شده است ؛ خداوند متعال میفرماید :

« **ومن يقتل مؤمنا متعمداً فجزوه جهنم خالداً فيها وغضب الله عليه ولعنه واعد له عذاباً عظيماً** » (سوره نساء آیه : ۹۳)

« وکسی که فرد مؤمنی را از روی عمد بکشد (از ایمان او باخبر بوده و تجاوز کارانه او را بقتل برساند و چنین قتلی را حلال بداند ، کافر بشمار می آید و) کیفر او دوزخ است و جاودانه در آنجا می ماند و خداوند بر او خشم می گیرد و او را از رحمت خود محروم می سازد و برای او عذاب بزرگی آماده می کند . »

در این آیه مبارکه پروردگار ما چار گونه مجازات شدیدی را برای قاتل و مرتکبین اینگونه این عمل شنیع مقرر فرموده است :

۱- خلود و جاودانگی در دوزخ .

۲- غضب الهی .

۳- لعنت خدا .

۴- عذاب بزرگ .

همچنان خداوند پاک در (آیه ۳۲ سوره مائده) میفرماید :

« **من قتل نفساً بغير نفس او فساد فی الارض فکانما قتل الناس جمیعاً و من احیاها فکانما** »

« هر کس انسانی را بدون ارتکاب قتل ، یا فساد در زمین بکشد ، چنان است که گوئی همه انسانها را کشته است و هر کس انسانی را از مرگ رهایی بخشد ، چنان است که گوئی همه مردم را زنده کرده است . »

برخی از علماء بدین باور اند :

کسانیکه با سلاح کشنده انسانها بیگناه را بقتل میرسانند و افراد یک جامعه را میترساند

و امنیت جامعه را بخطر مواجه می سازند . چنین شخصی به عنوان « **محارب با خدا** »

ومفسد فی الارض » معرفی شده و حکومت اسلامی حق دارد او را محکوم به اعدام نماید .

طوریکه قرآن عظیم الشان در مورد حکم صریح و آشکار را بیان فرموده میفرماید :

« **انما جزاؤ الذین یحاربون الله ورسوله ویسعون فی الارض فساداً ان یقتلوا او یصلبوا او**

تقطع ایدیهم وارجلهم من خلاف او ینفوا من الارض ذلک لهم خزی فی الدینا ولهم فی

الاکرة عذاب عظیم » (مائده : آیه ۳۳) « کیفر کسانی که (بر حکومت اسلامی می شورد

و بر احکام شریعت می تازند و بدین وسیله) با خدا و پیغمبرش می جنگند ، و در روی زمین (

با تهدید امنیت مردم و سلب حقوق انسانها ، مثلاً از راه رهنی و غارت کاروانها) دست به

فساد می زنند ، این است که (در برابر کشتن مردم) کشته شوند ، یا (در برابر کشتن

مردم غصب اموال) به دار زده شوند ، یا (در برابر راهزنی و غصب اموال ، تنها) دست

خودکشی ، انتحاری ، استشهادی

و پای آنان در جهت عکس یکدیگر بریده شود ، و یا این که (در برابر قطع طریق و تهدید ، تنها) از جایی به جایی تبعید گردند و یا زندانی شوند . این رسوایی آنان در دنیا است ، و برای شان در آخرت عذاب بزرگی است . »

در دین مقدس اسلام وضع قانون طوری عادلانه تنظیم و پیش بینی گردیده است که اگر به نطفه منعقد در رحم مادر هم تجاوز صورت گیرد ، آنرا گناه کبیره محسوب داشته و دیت سنگینی را برای متخلف وضع نموده است .

گناه قتل نفس در گفتار پیامبر اسلام پیامبر صلی الله علیه وسلم فرموده است : هر گاه دو نفر مسلمان بدون حق شمشیر به روی هم کشیدند و یکی از آنها در میان کشته شد ، هر دو اهل جهنم خواهند بود ، یکی از صحابه از پیامبر صلی الله علیه وسلم پرسیدند : مقتول چرا اهل جهنم میشود ؟ پیامبر صلی الله علیه وسلم در جواب فرمودند : « لانه اراد قتل » زیر مقتول نیز اراده و نیت کشتن طرف مقابل را کرده بود ، منتها به مرادش نرسید و خودش کشته شد .

در حدیث دیگری از ابو سعید خدری روایت است : به پیامبر صلی الله علیه وسلم خبر دادند که یکی از مسلمانان کشته شده ، ولی معلوم نیست که قاتلش کیست . پیامبر صلی الله علیه وسلم در حالی که اثر قهر در چهره مبارکش نمایان بود ، به مسجد رفت و بر منبر قرار گرفت و پس از حمد و ثنا گفت :

مسلمانی کشته میشود و کسی از قاتل او خبر ندارد ! قسم به خداوندی که جانم در اختیار او است . هر گاه اهل آسمانها و زمین برای کشتن یک نفر مؤمن اتفاق کنند ، یابیه آن راضی شوند ، خداوند همه آنها را وارد آتش دوزخ گرداند ! قسم به خدا هر شخصی از روی ظلم تازیانه ای به کسی بزند ، در روز قیامت در میان آتش دوزخ مثل آن تازیانه را به او میزنند .

چنانچه گفته آمدیم علمای اسلام بدین باور اند که : انسان همانطوریکه حق ندارد ، حیات و زندگی را از دیگران سلب کند ، اجازه ندارد که حتی به زندگی خود هم خاتمه دهد و یا عمل را انجام دهد که منجر به خود کشی گردد .

نفس نعمتی از نعمات است که پروردگار برای ما انسان ها عطاء فرموده است . زندگی است که استفاده از سایر نعمت توسط همین زندگی میسر و امکان پذیر میگردد . بدین اساس حفظ این نعمت الهی از مهمترین مسؤولیت های و وظایف انسانی ما انسانها به شمار میرود .

در دین مقدس اسلام همانطوریکه کشتن دیگران ، حرام و گناه است ، خودکشی و یا انتحار هم نوعی جرم و انحراف از احکام الهی بحساب می آید .

خودکشی یا انتحار در جامعه ای که بر اساس معیار های اسلامی بناء شده باشد ، گناه و قتل نفس محسوب میشود قتل نفس که پروردگار با عظمت ما از آن مسلمانان را جداً منع فرموده است .

خداوند پاک میفرماید : « وَلَا تَقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُمْ رَحِيمًا وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ عَدُوًّا وَظَلَمًا فَسَوْفَ نَصْلِيه نَارًا وَكَانَ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرًا »

(خود را مکشید و دستخوش هلاک و تباهی مسازید که خداوند با شما مهربان است . هر که از روی تجاوز و ستم و ظلم چنین کند ، به زودی او را در آتش دوزخ خواهیم افگند و این برای خدا آسان است .)

خودکشی ، انتحاری ، استشهادی

حضرت علی کرم الله وجهه می فرماید :

«مؤمن کسی است که به هر طریق الا خودکشی بمیرد»

در دین اسلام ، ضمانت اجرایی ممنوعیت خودکشی ، بر پایه اصول و مبانی عقیدتی و اخلاقی استوار است . مؤمن کسی است که به حاکمیت خدا بر جهان و انسان اعتقاد کامل دارد و معتقد است که خداوند انسان را به سرنوشت اجتماعی خویش حاکم ساخته و هیچکس نمی تواند این حق خداداد را از انسان سلب کند . فرد مؤمن در زندگی اجتماعی و در مواجهه با مسائل و مشکلات روزمره ، با تلاش و کوشش و نیروی ایمان ، از الطاف و رحمت پروردگار نا امید نمی شود ، تا اقدام به خودکشی کند . در نتیجه ، اگر انسان ها آگاهانه اقدام به خودکشی نمایند ، به این سبب که حیات خود را بر خلاف امر الهی سلب کرده اند ، بی ایمان از دنیا خواهند رفت.

بدین اساس خودکشی در اسلام و شریعت اسلامی از نگاه اخلاقی ، درونی و دینی مورد مذاقه قرار گرفته و همین امر در طول تاریخ موجب گردیده است که امار خودکشی در بین مسلمانان با امار خودکشی سایر ملل قابل مقایسه نمیباشد .

دین اسلام ریختن خون ناحق را منع نموده و در حدیث متبرکه آمده است:

« اول ما یقضى بین الناس يوم القيامة فی الدماء» (اولین چیزی که بین مردم در روز قیامت به فیصله میرسد خون ناحق است) (بخاری: ۶۵۳۳ مسلم ۱۶۷۸)

امام نووی در شرح حدیث متبرکه میفرماید:

(در این حدیث راجع به حفظ جان تاکید بیشتر صورت گرفته است که در روز قیامت اولین فیصله را جع به همین موضوع میباشد)

همچنان محمد صلی الله علیه وسلم در حدیث دیگری میفرماید : « لا یزال المومن معنقا صالحا مالم یصب دما حراما » (مسلمان پابند به دین و نیکو کار باقی می ماند مادامی که خون ناحق را نریزد) (ابو داود : ۴۲۷)

همه این هدیایات اسلامی ما را بدین امر معتقد می سازد که : جان و نفس انسان در دین مقدس اسلام از اهمیت بسزایی برخوردار بوده و اسلام حرمت گذاشتن به آن را تاکید اکید نموده است و انسانها را از خطر آن با خبر ساخته است .

امام ابن حجر عسقلانی (رح) در تفسیر حدیث متذکره میفرماید :

« در حدیث متذکره از بزرگی امر ریختن خون ناحق ، بحث صورت گرفته است . اولین چیزی را که انسان از این امر پیامبر محمد صلی الله علیه وسلم استنباط مینماید : اهمیت موضوع ، بزرگی گناه و گسترش فساد ناشی از این عمل منفور است ، که به ریختن خون ناحق مصالح علیای جامعه بر هم خورده و اساس زندگی انسانها مورد سوال قرار میگیرد) (فتح الباری : ۱۱ - ۴۸۲)

دین مقدس اسلام قتل انسان بیگناه را به صورت مطلق منع فرموده و پیامبر عالم بشریت محمد صلی الله علیه وسلم در حج الوداع یا آخرین حج این فیصله بزرگی آسمانی را که نباید انسانهای بیگناه به ناحق به قتل رسانده شود ، با صراحت و وضاحت تام بیان داشت و فرمود :

« فان دماءکم و اموالکم حرام علیکم کحرمة یومکم هذا فی شهر کم هذا فی بلد کم هذا » (ریختن خون ، خوردن مال و ریختن آبروی شما حرام است ، مانند

خودکشی ، انتحاری ، استشهادی

حرمت امروز (روز عرفه) و مانند حرمت این ماه (ذوالحجه الحرام) و مانند حرمت این شهر (مکه مکرمه) .

دین مقدس اسلام هیچ استثنایی را در ریختن خون دیگران بجز زناکار « محصن » قاتل ثابت شده به صورت مشخص و معین دقیق و یا شخصی که دینش را ترک نماید (مرتد) و آن هم بصورت بسیار دقیق با شرایط اجرای اثباتیه بس دقیق و کاملاً روشن، نمی پذیرد. شریعت اسلام برای حفظ و نگه داشت حیات انسان و جلوگیری از اشتباه ممکن که در موارد غیر قابل تصحیح است در همه موارد جزا های حدودی هم در صورت بوجود آمدن شبهه در اثبات این اتهامات از تطبیق حکم حدودی بر حذر میدارد و تطبیق جزای حدودی را ساقط میداند. حتی در صورت توازن دلایل بین ارتکاب و عدم ارتکاب نیز از تطبیق احکام مذکور بر حذر میدارد. چون پیامبر اسلام فرموده است « لا یحل دم امرئ مسلم یشهد ان لا اله الا الله وانی رسول الله الا با حدی ثلاث : الثیب الزانی والنفس بالنفس والتارک لدینه المفارق للجماعه » (بخاری ۶۸۷۸ مسلم ۱۶۷۶) « ریختن خون هر انسانی که به وحدانیت خداوند (ج) و رسالت برحق محمد صلی الله علیه وسلم شهادت دهد حرام است . به جز مرد زن دار وزن شوهر داری که زنا کند . و مردی که کسی را به قتل برساند ، . هکذا شخصی که دین خود را ترک نمود و مرتد شده از جماعت مسلمانان بیرون شود . »

باز هم تأکید میداریم که طریق اثبات اتهام حدودی از جمله درمسأله زنا زن و یا مرد متأهل آنقدر دقیق و پیچیده است که عملاً در موارد اثبات آنرا کاملاً مشکل و یا حتی ناممکن میتوان گفت. حالت اقرار برای تذکیر که اقرار خود متخلف است مسأله و بحث طویل و عریض خواهد بود که درین صورت هم مستنطق مکلف به پیگیری انگیزه و علت ارتکاب جرم و اثبات موضوع با دیگر قرائن و شواهد اثباتیه باید صورت گیرد.

به این ترتیب جزا های حدودی بیشتر وظیفهء ایجاد ترس جهت جلوگیری از ارتکاب عمل خلاف، تربیه و تنظیم امور تحت نظر قانونیکه خود متخلف را از ارتکاب تخلف باز میدارد، موجود میباشد.

علمای اسلام با استنباط از آیات قرآنی و احادیث نبوی قتل و اعمال انتحاری و خودکشی را و حتی بر داشتن سلاح علیه مسلمانان را حرام اعلام داشته و آنرا خلاف احکام صریح اسلام میدانند :

پیامبر اسلام حضرت محمد صلی الله علیه وسلم در این رابطه میفرماید : « من حمل علینا السلاح فلیس منا » (بخاری ۷۰۷۱ مسلم : ۱۶۳) اگر شخصی مسلمانی را با اسلحه هدف قرار دهد و یا تهدید کند ، و یا توسط سلاح خود کسی را با قتل رسانید و یا سبب اذیت و آزار مسلمانان شد، موصوف گنهگار پنداشته میشود .

ابن ملقن می فرماید : « حدیث فوق بر حرمت قتل مسلمانان دلالت نموده و این امر را نهایت بد و زشت معرفی داشته است . محض سلاح بدست داشتن که بر مصالح شرعی نبوده باشد ، محکوم بوده و پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم از آن نهی فرموده است ، حتی در دست داشتن شمشیر بدون غلاف را منع نموده و فرموده است که بدون ضرورت ، شمشیر خود را از غلاف آن بیرون نکنید ، و به سنگریزه و سایر آلات جارحه برادر مسلمان خود را نشانه نگیرید.

خودکشی ، انتحاری ، استشهادی

همه اینها به احترام متقابل مسلمانان ، دلالت مینماید و از کار برد اشیا و وسایلی که سبب جریحه دار شدن مسلمانان گردد ، منع فرموده است تا کرامت آنها حفظ گردد .» (اعلام لابن ملکن : ۱۰ - ۳۷۸)

وفا بر عهد و پیمان:

مسلمان نباید خلاف عهد و پیمان خویش عمل نماید :

زمانیکه یک مسلمان با اخذ ویزه وارد یک کشور دیگر جهان شدن و یک کشور غیر اسلامی مثلا اروپایی میگردد و یا هم بنابر عواملی بحیث پناهنده در کشوری ثبت نام میکند در حقیقت عهد و پیمانی است که با آن کشور می بندد ، و تعهد می سپارد تا تمام قوانین آن کشور را مراعات و مطابق آن رفتار نماید .

بناء قتل باشندگان و ایجاد دهشت و نا امنی در این کشور ها مطابق هدایات اسلامی بصورت مطلق حرام ، ممنوع و مخالف شرع اسلامی میباشد .

چنانچه خداوند پاک میفرماید :

« قل تعالوا اتل ما حرم ربکم علیکم الا تشرکوا به شیئا و با لوالدین احسانا ولا تقتلوا اولادکم من اِملاق نحن نرزقکم وایاهم ولا تقرّبوا الفواحش ما ظهر منها وما بطن ولا تقتلوا النفس التي حرم الله الا بالحق ذالکم وصکم به لعکم تعقلون »

(بگو ای پیامبر : بیانید تا آنچه را که پروردگار تان بر شما حرام کرده است برای شما بیان کنم ؛ در قدم اول هیچ شریکی بخدا نیاورید و به پدر و مادر تان احسان کنید . و اولاد تان را از بیم فقر نکشید ، ما شما و آنها را روزی میدهیم و به کار های بد و زشت چه آشکار و چه پنهان نزدیک نشوید . و نفسی را که خدا حرام کرده جز به حق به قتل نرسانید . اینها که خداوند شما را بدان سفارش نموده است ، تا تعقل کنید) (انعام : ۱۵۱)

پروردگار ما از مخالفت به عهد در چندین آیه متبرکه منع فرموده و به پیروان خویش اکیدا امر نموده است تا به عهد و پیمان خویش وفا نمایند :

« و اوفوا بالعهد ، ان العهد کان مسئولا » (و به عهد خود وفا کنید که از عهد و پیمان سوال خواهد شد) (سوره بنی اسرائیل آیه : ۳۴)

قرآن عظیم الشان در جای دیگر میفرماید :

« و اوفوا بعهد الله اذا عاهدتم ولا تنقضوا الایمان بعد توکیدها ، وقد جعلتم الله علیکم کفیلا ، ان الله یعلم ما تفعلون » (سوره نحل : آیه ۹۱)

« به پیمان خدا (که با همدیگر می بندید) وفا کنید هر گاه که بستید ، و سوگند ها را پس از تاکید (آنها با قسم به نام و ذات خدا) نشکنید ، در حالیکه خدای را آگاه و گواه (بر معامله و وفای بعد) خود گرفته اید . بی گمان خدا می داند آنچه را که می کنید . » و بعهد الله او فوا ذالکم وصکم به لعکم تذکرون » (سوره الانعام آیه : ۱۵۲) « و به پیمانی که با خدا بسته اید وفا کنید .

اینست همان سفارشی که خدا بشما نموده است تا باشد که متذکر و هوشمند شوید .

قتل و کشتن زنان و اطفال:

دین مقدس اسلام کشتن زنان و اطفال را حتی در میدان جنگ هم نیز حرام قرار داده است .

خودکشی ، انتحاری ، استشهادی

در صحیحین از عبد الله ابن عمر (رض) روایت است که : « در یکی از غزوات پیامبر صلی الله علیه وسلم زنی کشته شده را یافتند ، پیامبر صلی الله علیه وسلم کشتن زنان و اطفال را منع قرار داد . » (بخاری ۳۰۱۴ مسلم ۱۷۴۴)

امام نووی در شرح مسلم می نویسد :

« تمام علماء بر عمل کردن به مقتضای این حدیث ، اتفاق نظر دارند و کشتن زنان و کودکان را حرام میدانند ؛ مادامی که ایشان در میدان نبرد مستقیماً وارد جنگ نشده باشند ، اگر در میدان جنگ ، مسلح دیده شوند ، به قتل آنها اتفاق نظر نیز وجود دارد . » (شرح مسلم نووی جلد ۶ صفحه ۳۳۴) .

دین مقدس اسلام حملات ناگهانی و انتحاری را حتی بالای اطفال و زنان غیر مسلمان ممنوع قرار داده است و به هیچ صورت آنرا جایز ندانسته و نمیدارد .

امام مالک و اوزاعی میگویند :

« کشتن زنان و کودکان به هیچ صورت جواز نداشته ولو که دشمنان اسلام ایشانرا سپر خود هم قرار داده باشند » .

همچنان امام شافعی قتل زنان را جایز نمیداند ، مگر در صورتیکه در میدان جنگ به امور جنگی مشغول باشند . ابن حبیب مالکی نیز بر عدم جواز قتل زنان مگر در حالت مبادرت به جنگ ، آنها را در میدان نبرد نظر دارد . (فتح الباری ۶ / ۱۷۸ - ۱۷۹)

امام ابن حجر عسقلانی اتفاق علماء را بر منع کشتن زنان و کودکان نقل نموده میفرماید : « زنان همانند کودکان بنابر اینکه ضعف جسمانی و فزیکایی دارند ، کمتر تصور میروند که به جنگ مبادرت ورزند »

ابن قیم جوزی (رح) می فرماید : در حدیثی از پیامبر صلی الله علیه و سلم آمده است که می فرمایند : « المسلمون تتكافؤ دما نهم ویسعی بذمتهم أدناهم »

احراق و مُثله:

پیامبر صلی الله علیه وسلم سوختاندن حیوانات ، حریق درختان میوه دار را اجازه نفرموده اند . بلکه در مقابل هدایات خاصی و احکام صله رحمی و عطفوت را در برخورد با طبیعت صادر نموده است .

در حدیث متبرکه با صراحت خاصی حتی حریق حیوانات ممنوع اعلام گردیده است : «

نهی (رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) أَنْ يُحْرِقَ شَيْءٌ مِنَ الْحَيَوَانِ بِالنَّارِ»

در تعدادی کثیری از روایات اسلامی ، پیامبر صلی الله علیه وسلم از به آتش کشیدن موجود جاندار بصراحت تام نهی کرد .

در تعداد زیادی از احادیث نبوی آمده است که : عذاب کردن به آتش کشیدن ، مخصوص خداوند است و کسی جز پروردگار حق این را ندارد .

مُثله:

موضوع مُثله یکی از موضوعات قابل بحث در دین مقدس اسلام بشمار میرود . دین مقدس اسلام قاعده کلی ، احترام به مقام انسان و کرامت انسانی را در هیچ حالتی ، خواه در صلح باشد یا جنگ خواه در اقتدار باشد یا اپوزیسیون فراموش نمی نماید . دین اسلام بر خلاف عادت موجود در بین اعراب جاهل ، حکم بر ممنوعیت مُثله کردن ، شنگجه و هر شکل دیگری از رفتار تحقیر آمیز در مقابل مقام انسان را صادر فرموده است .

خودکشی ، انتحاری ، استشهادی

مُثله یعنی بریدن گوش ، بینی ، زبان ، دست و پا قطع کرده انگشتان و امثال آن ؛ این امر، هم در مورد اسیر و هم در مورد کشته شدگان جنگ جایز نیست . و ممنوع اعلام گردیده است . در حدیث متبرکه که روای آن حضرت علی کرم الله وجهه میباشند گفته است که محمد صلی الله علیه وسلم فرموده است : « إِيَّاكُمْ وَ الْمُثْلَةَ وَ لَوْ بِالْكَفِّ الْعَقُورِ » از مُثله کردن پرهیزید، هر چند در مورد سگ آزار رساننده هم باشد.

همچنان زمانی که پیامبر صلی الله علیه وسلم نیروهای خویش را به جبهات جنگ اعزام میداشت اکیداً هدایات میفرمود مثله نکنید.:

علما و مفسران بدین باور و عقیده آند : در حکم منع و حرام بودن مُثله فرقی نیست بین اینکه در جنگ باشد یا غیر آن ، قبل از مرگ باشد یا بعد از آن و بین اینکه دشمنان مسلمانها را مُثله کنند یا نکنند، اگر چه اطلاق آیه شریفه « وَ الْحَرْمَاتُ قِصَاصٌ » جواز مقابله به مثل را می رساند، لیکن اطلاق روایات و فتاوا مقتضی عدم جواز است .

در روایات اسلامی آمده است که : در جنگ خندق بعد از اینکه عمرو بن عبدود به دست مسلمانان بقتل میرسد . یکی دیگر از سردار و قوماندان مشهور مشرکین بنام نوفل ابن عبدالله زخمی و توسط مسلمانان هم بقتل میرسد ابوسفیان از ترس اینکه مبادا پیامبر اسلام حضرت محمد صلی الله علیه وسلم جسد او را بخاطر تلافی جسد حضرت همزه که توسط غلام حبشی ابوسفیان در جنگ احد، مُثله شده بود ، مُثله نکردد مبلغ ده هزار پول مروج آن زمان (دینار یا درهم) برای پیامبر صلی الله علیه وسلم فرستاد تا جسد قوماندانش توسط مسلمان مُثله نگردد ، و جسد او را سالم برای مشرکان تسلیم نمایند . اما پیامبر بزرگوار اسلام ناجی بشریت ، هم مبلغ متذکره را و هم جسد قوماندان مقتول را بطور سالم بر ای شان بر گرداند و در جواب شان گفت : **ما پول مرده نمی خوریم.**

صحابه کرام هم به پیروی از ارشادات پیامبر صلی الله علیه وسلم در همه امور جهادی همیشه در تعلیمات خود به سربازان مسلمان این دستور را تکرار و آنان را از عمل مُثله حتی از عملیه مثله سگ و حیوانات منع می نمودند .

واقعاً مسلمانان این چنین تربیت شده اند و در هر جنگی تعلیمات پیامبر خویش را کاملاً مد نظر داشته و به آنها عمل می کنند .

یکی از بارزترین نشانه های اخلاقی سرباز اسلام این است که به هیچ کس ظلم روا نمی دارد. اعضای بدن دشمنانش را مُثله نمیکند و بجز آنانی که در برابرش قد علم کرده اند به دیگران کاری ندارد. درختان را قطع نمی کند و خانه ها را فرو نمی ریزد و به زنان و کودکان اذیت و آزاری نمی رساند.

علماء و مفسران بدین باور و عقیده آند: در حکم منع و حرام بودن مثله فرقی نیست بین اینکه در جنگ باشد یا غیر آن ، قبل از مرگ باشد یا بعد از آن و بین اینکه دشمنان مسلمانها را مثله کنند یا نکنند، اگر چه اطلاق آیه شریفه « وَ الْحَرْمَاتُ قِصَاصٌ » جواز مقابله به مثل را می رساند، لیکن اطلاق روایات و فتاوا مقتضی عدم جواز است .

کشتن اسیر:

در شرع اسلام در صورت ارتباط جرم که اسیر دشمن جزای کشتن دریافت میکند این امر زمان ممکن است و زمان شرعی است که از جانب محکمه حاکمیت اسلامی صورت تعیین شده جرم اش ثابت و محکوم گردیده باشد. در غیر آن کشتن اسیر جواز ندارد و حرام میباشد. فرق نه میکند اسیر در حال جنگ دستگیر شده باشد یا بعد از پایان جنگ گرفتار شود. حتی اگر

خودکشی ، انتحاری ، استشهادهی

شخصی اسیری را به پشت جبهه منتقل میکند و اسیر از راه رفتن بازماند، نمی تواند او را بکشد، چون حکم محکمهء شرعی در باره آن وجود ندارد.
در یکی از احادیث آمده است:

« إِذَا أَخَذْتَ أَسِيرًا فَعَجَزَ عَنِ الْمَشْيِ وَ لَيْسَ مَعَكَ مَحْمِلٌ فَأَرْسِلْهُ وَ لَا تَقْتُلْهُ فَإِنَّكَ لَا تَدْرِي مَا حُكْمُ الْقَضَاءِ فِيهِ » اگر اسیری گرفتی و او از راه رفتن عاجز شد و وسیله ای نداشتی که او را حمل کنی ، پس او را رها کن و نکش ، چون نمی دانی که حکم محکمه در مورد چطور است .

رفتار اخلاقی و عاطفی پیامبر رحمت در جنگ با دشمنان کینه توز بسیار عجیب است از جمله این که در جنگ حنین نه فقط اکثریت را بخشید و اموال و اسیرانشان را برگرداند بلکه مالک بن عوف رهبر هوازن را نیز عفو کرد و صد اشتر به او داد و بعد از این که مالک اسلام آورد پیامبر او را به رهبری مسلمانان هوازن و بنی سعد که به نوشته ابی هاشم شش هزار نفر بودند گمارد و بنی سعد را بخشید.

گناه کمک به اعمال انتحاری و خود کشی:

در این بحث میخواهم همانطوریکه قتل نفس و پناه انداختن اعمال انتحاری « استشهادهی » علیه انسانها بیگناه گناه کبیره بوده همین طور پناه دادن و مساعدت کردن به شخصی انتحاری که برای قتل انسانهای بیگناه مشغول است ، گناه کبیره بوده و باید مسلمانان جداً از آن خود داری نمایند :

پیامبر صلی الله علیه وسلم فرموده است : « لَوْ أَنَّ رَجُلًا قَتَلَ بِالْمَشْرِقِ ، وَ آخِرَ رَضَى بِهِ بِالْمَغْرِبِ كَانَ كَمَنْ قَتَلَ وَ شَرَكَ فِي دَمِهِ » (هر گاه مردی در مشرق کشته شود ، و مرد دیگری که در مغرب زندگی می کند به آن قتل راضی باشد ، مانند قاتل است و در خون مقتول شریک است).

همچنان در حدیث دیگری آمده است که پیامبر صلی الله علیه وسلم روزی از مردم پرسید : « این مرد را چه کسی کشته است ؟ » مردم گفتند : ای رسول الله ، ما اطلاع نداریم !
پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود :

آیا رواست که کشت های از مسلمین در میان مردم باشد و آنها ندانند چه کسی او را کشته است ؟ قسم به ذات -- پروردگار که مرا به حق به پیامبری فرستاده ، اگر اهل آسمانها وزمین در ریختن خون مسلمانی شرکت داشته یا به آن راضی باشد ، همه را خداوند در آتش دوزخ سر نگون خواهند ساخت .

والله اعلم بالصواب. پایان

نام نوشته:

خودکشی - انتحاری - استشهادهی

Name of the Article: Suicide – Intehari - Isteshhadee

By: Aminuddin Saidi & Dr. Salahuddin Sayedi

خودکشی ، انتحاری ، استشهادی

تتبع ، نگارش و نوشته از:

الحاج امین الدین « سعیدی – سعید افغانی »

وداکتر صلاح الدین « سعیدی – سعید افغانی »

آدرس ارتباطی در آلمان : saidafghani@hotmail.com

آدرس ارتباطی در لندن : ۰۰۴۴۷۸۸۶۴۷۴۶۳۸ ایمیل: strategicstudies@yahoo.com

Get more e-books from www.ketabton.com
Ketabton.com: The Digital Library